

## بررسی فرآیند رفتاری دشمن در پروژه مایوس سازی از نگاه دینی

مصطفی رضایی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

### چکیده

مخالفان جمهوری اسلامی، پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی، همواره به دنبال ایجاد یاسی فراگیر در جامعه بوده و در این رهگذر همواره مدل زیستی و فکری مادی را به جامعه تزریق می‌نموده‌اند؛ چراکه سبک زندگی غربی و مادی، انسان را در نهایت به پوچی و ناامیدی سوق خواهد داد؛ از همین روی بوده که اگر جامعه بتواند در دامان خود افراد را پرورش دهد و شخصیت افراد موجود در خود را ارتقاء دهد، جامعه‌ی آینده-آل و توأم با دینی محسوب می‌شود و ظرفیت افراد در دامان آن به هرز نخواهد رفت. در قرآن موارد مختلفی را می‌توان یافت که دشمنان در جنگ نرم با هدف ضربه زدن به جامعه اسلامی از آن استفاده می‌کنند. امروزه با توجه به جایگاه انقلاب اسلامی در منطقه و جهان و پیشرفت‌های مختلف کشور، ضروری است راه-های دشمن در مایوس‌سازی جامعه مورد تحلیل قرار گیرد که بر اساس این ضرورت در این مقاله، نویسنده با روشی توصیفی-تحلیلی به موضوع ورود نموده و در نهایت به این نتیجه رسیده است که دشمن در فرآیندی پیچیده، سطوح مختلفی از جامعه اعم از فضای فکری، ابعاد معیشتی، گفتمان ارزشی و ... را هدف قرار داده تا مردم را نسبت به آینده و استقامت در این مسیر مایوس سازد و اگر خواص جامعه، مسئولین و عقبه‌ی فکری، متوجه این فرآیند نباشند، ناامیدی و سرخوردگی در سطح اجتماع فراگیر خواهید شد و دشمن از این مجرا، اهداف استعماری و فتنه‌جویانه‌ی خود را به دست خواهد آورد.

**کلید واژه‌ها:** دشمن، مایوس‌سازی، مردم، قرآن، روایات.

**استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)**

رضایی، مصطفی (۱۴۰۰). «بررسی فرآیند رفتاری دشمن در پروژه مایوس‌سازی از نگاه دینی». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال چهارم، شماره سوم، پیاپی ۱۵، صص ۳۵-۵۰.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته سطح سه حوزوی، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

ایمیل: eshrahg.reza1394@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

دشمن همواره برای دستیابی به اهداف خود به دنبال ابزارهایی چون تحت فشار گذاشتن و استفاده از اهرم‌های محصور کننده و ... بوده است؛ چراکه به خوبی به این حقیقت التفات دارد جامعه مؤمنین هرگز با جذابیت‌های مادی آن‌ها مسیر ایمانی خود را قطع نخواهند نمود. آن‌ها در طول تاریخ در تلاش بوده‌اند که با ایجاد پروژه مایوس‌سازی مردم، مانع پیشرفت‌های جامعه دینی در سطوح مختلف باشند. از جمله آثار تحقیقی و پژوهشی که هم‌سو با این موضوع نگاشته شده‌اند، عبارت هستند از:

«نفوذی‌ها، مروری بر روش‌ها و عوامل نفوذ شیطان در جامعه اسلامی با تأکید بر آیات قرآن کریم» نوشته عبدالکریم بهجت پور؛ در این کتاب جریان‌های نفوذ معرفی شده و به شش گروه با محوریت عامل اول که شیطان بود پرداخته شد و عوامل بعدی اصحاب ادیان و مذاهب، بیمار دلان، منافقان، صاحبان جاه و مقام و خسته اراده‌ها بودند و در هر عامل خصوصیات رفتاری و انگیزه‌ی آن‌ها بررسی شد و نکته‌ی حائز اهمیت این کتاب چگونگی ارتباط مباحث قرآنی با انقلاب اسلامی است.

«جریان‌شناسی نفوذ در صدر اسلام با تأکید بر دوران حضرت علی علیه‌السلام» نوشته‌ی علی کرمی؛ نویسنده در این کتاب به جریان نفوذ دشمن در دوران حضرت علی علیه‌السلام پرداخته و اشاره کرده که نفوذ در آن دوران بیش‌تر درونی بوده و به این خاطر برای مردم عادی قابل تشخیص نبود.

«راهکارهای مقابله با محاصره و تحریم اقتصادی از نگاه قرآن» اثر علی جواهرده‌ی که در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است؛ در این اثر نگارنده به بررسی راهکارهای مقابله با حصر اقتصادی دشمن از منظر قرآن کریم با نگاهی کلی روی آورده است.

«تاریخچه تحریم اقتصادی دشمنان علیه ایران، راهکارهای مقابله در برابر تأثیرات منفی احتمالی تحریم‌ها» اثر سحر کریمی و محمد صفاری‌انارکی که در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است؛ نگارندگان در این تحقیق از نگاهی تاریخی، روند حصر اقتصادی دشمن را مورد تحلیل قرار داده است. اما وجه تمایز این اثر نسبت به موارد برشمرده شده در این بوده که هیچ کدام از آثار فوق به نحوی جامع به اقدامات مایوس‌سازی مردم نپرداخته بلکه رویکردی موردی نسبت به مصداق این امر داشته‌اند.

امروزه دشمن با استفاده از روش‌های مختلف، به دنبال ایجاد یاسی فراگیر در جامعه مؤمنین است و اثری که با نگرش بصیرت‌زایی به این روش‌ها و اقدامات پرداخته باشد کم‌تر وجود دارد، این ضرورت باعث پردازش به این موضوع شده است. در این اثر بدین سؤال پاسخ داده خواهد شد که فرآیند رفتاری دشمن در پروژه‌ی مایوس‌سازی از نگاه دینی چگونه است؟ از جمله‌ی اهداف این

تحقیق، تدوین اثری منسجم در باب دشمن‌شناسی و ابزارهای روانی او و روشنگری و بصیرت‌افزایی در سطح جامعه است. در ذیل به اهم فرآیند روشی دشمن در پروژه القاء یأس پرداخته خواهد شد.

## ۲. ایجاد شکاف و تفرقه در جامعه

یکی از راهبردهای دشمن در القاء یأس در جامعه، دامن زدن به شکاف و تفرقه در جامعه است؛ این راهکار موجب خواهد شد با ایجاد دوگانگی‌های موهوم بدنه‌های مختلف جامعه با یکدیگر درگیر شوند و دغدغه‌های اجتماعی بدین سمت و سو سوق پیدا کند، طبیعی است در چنین حالتی بسیاری از مؤلفه‌های آرامش یک جامعه به خطر خواهد افتاد؛ چراکه اتحاد و وحدت مردم در هر نظام و حکومتی، بزرگ‌ترین سرمایه برای حفظ و بقا آن نظام محسوب می‌شود؛ چون امنیت در سایه این وحدت حاصل می‌شود و هرگونه تفرقه و تضعیف این اتحاد، موجب ناامنی در جامعه خواهد شد. امنیتی که زیربنای تمامی مؤلفه‌های اقتدار کشور است. لذا یکی از مهم‌ترین شیوه‌های یأس‌افزایی دشمن، ایجاد تفرقه و اختلاف است که از این طریق می‌کوشد تا وحدت جامعه را خدشه‌دار کند. در صدر اسلام نیز معاویه به شدت از این شیوه جهت تضعیف حکومت امیرالمؤمنین استفاده می‌کرد. لذا در کلام امیرالمؤمنین بیشترین تأکید را بر وحدت مسلمانان دیده می‌شود. اعتقاد حضرت این است که برای استحکام نظام و حرکت اجتماعی، وحدت و هماهنگی لازم بوده و دوگانگی و تفرقه زیان‌بخش است:

«وَالْعَرَبُ الْيَوْمَ وَإِنْ كَانُوا قَلِيلًا فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ عَزِيزُونَ بِالْاجْتِمَاعِ إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ وَبُرِيدَ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عَقْدَةً عَقْدَةً وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَالْفُرْقَةَ الْفِتْنَةُ فَاصْذِفُوا عَنْ نَزْعَاتِهِ وَنَفَاتِهِ وَاقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أهدَاها إِلَيْكُمْ وَاعْتَلَوْهَا عَلَي أَنْفُسِكُمْ». «عرب اگر چه امروز در شمار و عدد اندک است اما با بستگی به رشته اسلام بسیار و به خاطر اتحاد نیرومند است. همانا شیطان (معاویه) راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی، بر پراکندگی شما بیفزاید از وسوسه و زمزمه و فریب‌کاری شیطان روی گردانید و نصیحت آن کس را که خیرخواه شماست گوش کنید و به جان و دل بپذیرید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۱).

آن حضرت بیان می‌دارند که دشمنان وی از طریق تفرقه در صفوف یارانش توانستند غائله جمل و صفین را به وجود آورند و مردم را به شورش علیه حکومت اسلامی دعوت کنند. تفرقه توان جامعه را هرز خواهد داد و قدرتمندی را از آن سلب می‌کند؛ چراکه بدنه جامعه و ظرفیت‌های موجود به جای پرداختن به رشد و شکوفایی جامعه، درگیر ستیز و دوگانگی هستند، در چنین حالتی طبیعی است که آحاد جامعه گرفتار یأس و ناامیدی از آینده خود و جامعه خواهند بود که یکی از اثرات این یأس‌گرایی به دشمن برای رفع نیازهاست.

در واقع زمانی که جامعه گرفتار تفرقه و تشتت باشد، سستی و مایوسی در جامعه رسوخ پیدا خواهد کرد و دشمن از این فرصت نهایت استفاده را خواهد کرد تا از میزان شکاف ایجاد شده به بدنه جامعه نفوذ نموده و از فضای گل آلود موجود نهایت بهره‌وری نماید؛ چراکه جامعه رها شدن از تفرق و پراکندگی، خالی از منافذ و رخنه‌هایی خواهد بود که دشمن از آن مجرا ورود نماید؛ وحدت امت اسلامی به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و سراسر جهان اسلام است، به گونه‌ای که در نهایت، نویدبخش تشکیل امت واحد اسلامی باشد:

«وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»؛ «و همانا این امت شماست، امتی یگانه و

من پروردگار شما هستم. از من پروا کنید» (مؤمنون، آیه ۵۲).

در تفکر دینی، هرگز مراد از وحدت کنار نهادن سایر مذاهب نیست. وحدت اسلامی به کارگیری ابزار تحقق امت واحد، به‌عنوان یک آرمان نهایی، در سطح جوامع و جهان اسلامی خواهد بود:

« وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ » (حج، آیه ۷۸).

بنابراین وحدت اسلامی، از جهت روش و ابزارمندی آن شامل تمامی تصمیم‌سازی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، اتخاذ روش‌های واحد، بهره‌گیری از امکانات مشترک و تدابیری می‌شود که نتیجه و پیامد آن، تحقق وحدت امت اسلامی و امید در سطح جامعه است. از این‌رو، خداوند می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، آیه ۱۰۳).

اختلاف و واگرایی بیش از این که منشأ داخلی داشته باشد، عامل بیرونی و خارجی دارد؛ زیرا استعمار و حکومت‌های وابسته به آن همواره در روند پیشرفت نهضت‌های وحدت‌گرا اختلال ایجاد کرده‌اند تا روح نشاط و امید و تحول‌خواهی را در آن مبدل به یأس و سرخوردگی نمایند. هرگاه این عامل در داخل سرزمین‌های اسلامی تغییر بنیادی یابد و حکومت‌ها، ملی و اسلامی گردند، وحدت که خواست اصلی ملت‌ها و دولت‌هاست، تحقق پیدا خواهد کرد (فولادی، ۱۳۹۴: ۴۴). ائتلاف درون جامعه دینی، قلوب را نسبت به آینده بیش‌تر همراه با تلاش مضاعف امیدوار خواهد نمود اما اختلاف و تشتت، سبب سستی قدم‌ها و قلوب برای تلاش بیش‌تر جهت شکوفایی جامعه خواهد بود.

صفوف به هم پیوسته جامعه، مانع خواهد شد تا دشمن برای ایجاد خلل بیش‌تر، اهداف خود را با اهرم‌های تفرقه‌زا پیش براند، از همین روی خداوند متعال برای مصونیت جامعه‌ی ایمانی از فتنه‌های نفوذ دشمن و ایجاد دوگانگی و یأس، همواره بر رشد و پیشرفت جامعه اسلامی، مؤمنین را به وحدت و اتحاد صفوف دعوت نموده است:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوعٌ»؛ «خداوند کسانی را دوست

می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند؛ گویی بنایی آهنین‌اند» (صف، آیه ۴).

آگوست کنت، جامعه‌شناس شهیر، ملاک شکل‌گیری وفاق اجتماعی و همبستگی ملی را بر توافق اذهان آدمیان می‌داند و معتقد است که جامعه به وجود نمی‌آید مگر آنکه اعضای آن اعتقادات واحدی داشته باشند. افکار بر جهان حکومت می‌کند و جهان را دگرگون می‌سازد. به بیان دیگر، همه دستگاه‌های اجتماعی بر اساس عقاید بنا شده‌اند و بحران‌های سیاسی جوامع امروزی ناشی از هرج و مرج فکری آدمیان است؛ در واقع، مهم‌ترین شری که دامنگیر ماست، همین ناهماهنگی عمیقی است که اکنون بین همه اذهان نسبت به همه اصول اخلاقی که ثبات آن‌ها شرط اول یک نظم اجتماعی حقیقی است، وجود دارد (صدیق‌اورعی، ۱۳۸۰: ۲۲). این ناهمگونی می‌تواند معضلات اساسی جدی‌ای در سطح جامعه به وجود آورد و سبب درگیری‌های فیزیکی و از بین رفتن زیرساخت‌ها در جامعه شود، در چنین حالتی رفاه مردم نیز به شدت مورد تهدید قرار خواهد گرفت و موجی از نارضایتی و یأس در بدنه مردم شکل می‌گیرد.

### ۳. ایجاد ناامنی و هرج و مرج

جامعه ناامن، زمینه برای ایجاد فتنه‌انگیزی بیشتر دشمن و نفوذ آسان‌تر را فراهم خواهد نمود، دشمن با ایجاد فساد در جامعه مؤمنین و اشاعه ناامنی، تمرکزها را از خود دور نموده و اهداف خفی خود را تحت پروژه مایوس‌سازی محقق خواهد کرد؛ آیات متعددی از قرآن کریم همواره بر مبغوضیت فساد در زمین در عرصه سیاسی پرداخته که حاکی از اهمیت این نحله از امنیت در جامعه است؛ ناامنی، به دنبال خود فساد، کشتار، هرج و مرج و ده‌ها عامل مایوس‌کننده اجتماعی را به دنبال خواهد آورد، لذاست که آیات بسیاری در قرآن، از فساد نهی کرده و مبغوض بودن فساد و مفسدان را با بیان‌های مختلف تکرار نموده است. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»؛ «و چون

از حضور تو دور شود کارش فتنه و فساد در زمین است و بکوشد تا حاصل خلق به باد فنا دهد و نسل (بشر) را قطع کند و خدا فساد را دوست ندارد» (بقره، آیه ۲۰۵).

اختلال در نظام، یکی از مصادیق فساد و عدم امنیت است. در کتاب‌های لغت، فساد نقیض صلاح و مفسده خلاف مصلحت دانسته شده و در تعریف آن آمده است:

«فساد، هرگونه تغییر از مقداری است که حکمت به آن دعوت می‌کند (و مقتضای حکمت است) و شاهد بر این مطلب این که نقیض صلاح است و صلاح، استقامت بر آن چیزی است که حکمت ما را به آن می‌خواند؛ چه این که اگر کم‌تر از مقدار یا زیاده از مقدار باشد، صلاح نیست و اگر به اندازه باشد، صلاح است» (عسکری، ۱۳۶۳: ۲۰۸).

در این حالت، فساد انگیزه‌های ارتقاء سطح کمی جامعه را کاهش خواهد داد و مردم از رشد و تعالی مایوس خواهند شد. در چنین فضایی مؤلفه‌های آرامش‌بخش همانند امنیت، فسادستیزی و ... به خطر خواهد افتاد.

از برخی آیات قرآن کریم، منع فعالیت اخلاک‌گران در نظام جهت حفظ امنیت و جلوگیری از نفوذ جامعه استفاده می‌شود که از نتایج قطعی آن، شیوع اضطراب و تشویش در سطح جامعه است. لذا دشمن همواره از حضور نیروهای اخلاک‌گر در سطح جوامع دینی حمایت نموده تا مردم را از آینده ایده‌آل مدینه فاضله دینی مایوس کند. حضور و فعالیت منافقان و دشمنان در درون جامعه اسلامی قطعاً برای مسلمانان مایه فساد و ناامنی، تفرقه، تردید و گمراهی خواهد بود. در آیات بسیاری، از جمله دو آیه‌ی زیر، خداوند متعال پیامبر صلی الله علیه و آله را به منع از فعالیت‌های منافقانه و حضور ایشان در صفوف مسلمین دستور می‌دهد. این دستور، نمونه‌ای از منع اختلال در نظام مسلمین به-شمار می‌رود:

«وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنَّ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاتَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ. لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا حَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ»؛ «و اگر آنان قصد سفر جهاد داشتند درست مهیای آن می‌شدند لیکن خدا هم از برانگیختن آنها کراهت داشت، پس آنها را باز داشت و حکم شد (که ای منافقان نالایق) شما هم با معذوران (کور عاجز در خانه خود) بنشینید. اگر این منافق مردم هم در میان شما مؤمنان بیرون می‌آمدند جز خیانت و مکر در سپاه شما چیزی نمی‌افزودند و هر چه می‌توانستند در کار شما اختلال و خرابی می‌کردند، برای شما از هر سو در جستجوی فتنه برمی‌آمدند و هم در میان لشکر شما از آنان جاسوس‌هایی وجود دارد و خدا به احوال ظالمان داناست» (توبه، آیات ۴۶ و ۴۷).

بدیهی است که هر جامعه‌ای برای حفظ نظام خود باید با اخلاک‌گران مبارزه کند. این همان چیزی است که این آیات به آن‌ها اشاره کرده است.

بر همین اساس، خداوند در برخی از آیات برای اخلاک‌گران در نظام مجازات‌هایی در نظر گرفته است که نشان از شدت اهتمام شارع مقدس در امر حفظ آرامش و امید در نظام دینی و منع اختلال در آن دارد. از جمله این آیه است که می‌فرماید:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُنَقَّطَ آيَاتُهُمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ «همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن‌ها را به قتل رسانده یا به دار کشند یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر بپزند

یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آن‌هاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود» (مائده، آیه ۳۳).

امنیت عمومی، وقتی خلل می‌پذیرد که خوف عمومی و ناامنی جای امنیت را بگیرد و طبیعتاً وقتی محارب می‌تواند چنین خوفی در جامعه پدید آورد که مردم را با اسلحه تهدید به قتل کند. اینکه در این آیه، محاربه و ستیز با بندگان خدا از طریق اخلال به امنیت عمومی، محاربه با خدا معرفی شده، به دلیل اهتمام فوق‌العاده شارع به امر حقوق انسان‌ها و حمایت از امنیت آنان برای داشتن زندگی آرام و نظام‌مند است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۹: ج ۴ / ۳۶۰). با ترویج این خوف، اضطراب دائمی شئون مختلف زندگی مردم را دربر خواهد گرفت و جامعه نه تنها از حکومت دینی بلکه نسبت به ادامه حیات خود نیز مایوس خواهند شد.

#### ۴. حمایت از مسئولین بی‌کفایت جهت ترویج فساد

حفظ سلامت اقتصادی مسئولین سبب خواهد شد دشمن برای پیشبرد اهداف خود از نقاط ضعف آنها سوءاستفاده نبرد، در چنین حالتی است که آن‌ها از مسئولین بی‌کفایت حمایت خواهند کرد تا در نقاط کلیدی حضور پیدا کنند و بی‌کفایتی آن‌ها در عرصه‌های مختلف مسئولیتی سبب زدگی و مایوس شدن جامعه از حکومت دینی گردد. همان‌طور که در طول تاریخ اسلام، ضعف سلامتی شخصیت‌هایی همانند اشعث سبب نفوذ دشمنان امام <sup>علیه السلام</sup> همانند معاویه در سالیان بعد شد و از این حربه برای اعمال فشار بر جامعه دینی و مایوس کردن مردم استفاده نمودند؛ امام علی <sup>علیه السلام</sup> پس از پایان پیروزمندانه جنگ جمل به کوفه بازگشت و آهنگ شام کرد، به همین دلیل به تمامی استانداران و عاملان خود نامه نوشت و از آن‌ها خواست با ایشان بیعت کنند و احکام اسلام را اجرا نمایند (یعقوبی، ۱۴۱۳ ه.ق. ج ۲ / ۲۰۰)؛ از جمله به جریر بن عبدالله بجلی والی همدان و اشعث بن قیس والی آذربایجان و از آنان خواست تا به کوفه نزد امام <sup>علیه السلام</sup> بیایند. نقل شد که امام <sup>علیه السلام</sup> اشعث را به دلیل حیف و میل اموال آذربایجان از حکومت آن ایالت عزل کرد (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ج ۲ / ۶۲۴) و او را به سوی خود فرا خواند و اموال آذربایجان را نیز از او مطالبه نمود (منقروی، ۱۴۰۴ ه.ق. ج ۲۱). در حقیقت این اقدام امام برای حفظ اعتماد جامعه به مسئولین و بدنه‌ی حکومت امری ضروری بوده؛ چراکه عدم مقابله با چنین جریان‌هایی در جامعه، سبب یأس در مردم خواهد شد.

بر همین اساس بوده که امام علی <sup>علیه السلام</sup> همواره مسئولین خود را از فساد اقتصادی و سوء-استفاده از قدرت که موجب ملالت و ناامیدی جامعه می‌شود، نهی مؤکد به عمل آورده‌اند. ایشان لزوم صیانت از بیت‌المال مسلمانان را به آن‌ها گوشزد می‌کند و اخلاق اقتصادی که از علل تامه جلب اعتماد و رضایت مردم نسبت به کارگزاران بوده را تبیین می‌نماید و می‌فرماید:

«همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست بلکه امانتی در گردن تو است و از تو خواسته‌اند که از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری که نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز (بیت‌المال) است و تو خزانه‌دار آن هستی (حق تصرف در آن مال را نداری) تا آن را به من بسپاری. امیدوارم که من برای تو بدترین والیان نباشم و نیرویی نیست مگر نیروی خداوند» (به نقل از ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۶۳: ج ۱۴ / ۳۷).

از منظری هیچ عاملی چون مسئول فاسد که در مرأ و منظر جامعه بوده نمی‌تواند قلوب را نسبت به صلاح و سداد حکومت دینی مأیوس نماید، لذا ضروری است که با این جریان مقابله جدی گردد. از همین روی بوده که حضرت علیه السلام در نامه‌ای دیگر به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره در نامه‌ای بر حفظ سلامت کاری تأکید داشته و افزوده‌اند:

«اما بعد، ای پسر حنیف! به من گزارش داده شده است که مردی از متمکنان اهل بصره، تو را به خوان میهمانی‌اش دعوت کرده و تو با سرعت به سوی آن شتافته‌ای، در حالی که طعام‌های رنگارنگ و ظرف‌های بزرگ غذا، یکی پس از دیگری پیش تو قرار داده می‌شد و من گمان نمی‌کردم که تو دعوت جمعیتی را قبول کنی که نیازمندانشان ممنوع و ثروتمندانشان دعوت می‌شوند. به آن چه می‌خوری، بنگر که آیا حلال است یا حرام. آن گاه آن چه حلال بودنش بر تو مشتبه بود، از دهان بینداز و آن چه به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری، تناول کن... بنابراین، ای پسر حنیف! از خدا بترس و به همان قرص‌های نان اکتفا کن تا خلاصی تو از آتش جهنم امکان‌پذیر گردد» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵).

در حقیقت گاهی برای به انحراف کشاندن افراد تأثیرگذار شیطان خود وارد صحنه می‌شود؛ زیرا منحرف کردن هر چهره ماندگار و شاخص، بخش زیادی از مشکلات را از پیش روی شیطان برمی‌دارد و کار را برای انحراف دادن سایر مردم آسان‌تر می‌کند، به خصوص که اگر این چهره‌ها از وجاهت دینی و مردمی برخوردار باشند. افزایش این نوع چهره‌ها در سطح جامعه اهرم تبلیغاتی کلانی برای دشمن خواهد بود تا بر طبل ناکارآمدی حکومت دینی و مأیوس کردن مردم نسبت به آینده‌شان در این حکومت بکوبد.

## ۵. ایجاد تحریم و فساد حداکثری

تحریم اقتصادی برای تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف صورت می‌گیرد. این نوع تحریم به مراتب ملایم‌تر از نوع اول است. در واقع در این نوع تحریم، عملاً تحریم اقتصادی جایگزین جنگ و گزینه ماقبل جنگ تلقی می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۹: ۱۲).



دشمن در طول تاریخ برای ایجاد خلل در امنیت اقتصادی مسلمین به دنبال حصر اقتصادی جامعه اسلامی بوده است و مهم‌ترین راهبردی که از این مسیر دنبال می‌نموده، تضعیف روحیه مردم در مقاومت و مایوس‌سازی آن‌ها بوده است؛

« هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا »؛ «آنان [منافقان] کسانی هستند که می‌گویند به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند» (منافقون، آیه ۷).

اگر جامعه مؤمنین ملتفت اهداف تحریمی و اهرم‌های فشار دشمن باشد، تحریم دشمن به عنوان ابزار ایجاد یأس و فشار حداکثری برای تأمین خواسته‌های نامشروع دشمن کاربردی نخواهد داشت همانطور که این امر در جریان حصر شعب ابی‌طالب قابل مشاهده است؛ وقتی قریش نتوانستند یاران پیامبر اکرم را از حبشه باز گردانند و دیدند که اسلام به خارج از حجاز هم نفوذ کرده، با هم مشورت کردند تا راهی برای تسلیم شدن پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش پیدا کنند. لذا قرار شد عهدنامه‌ای امضاء کنند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و یاران و خاندانش را در محاصره قرار دهند. بدین ترتیب که احدی حق نداشته باشد با آنان رفت و آمد کند. قریش این عهدنامه را در صندوقچه‌ای درون کعبه گذاشتند. از آن پس ناگزیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و یارانش در بیرون مکه در دره‌ای بنام «شعب ابی‌طالب» به سر می‌بردند و زندگی آنان در کمال سختی و ناراحتی می‌گذشت و با وجود این هرچه دشمن به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد می‌داد که از دعوت خود دست بردارد تا او را آزاد کنند، او نمی‌پذیرفت و تسلیم آنان نمی‌شد. آن همه فشارها و سختی‌ها که بر او و امت او گذشت و حتی گرسنگی و محرومیت و خطر دشمنان، او را از پای در نیاورد. او هم‌چنان به آینده انسان‌ها و نجات ملت‌ها می‌اندیشید و به یاران خود نوید پیروزی می‌داد (ابن‌هشام، ۱۴۱۶هـ.ق. ج ۱/۱۶۵). رسول خدا صلی الله علیه و آله با حفظ روحیه استقامت دینی مؤمنین در شرایط دشوار شعب ابی-طالب مانع از بروز یأس در روحیه آن‌ها شده و سرانجام ثمره این مقامت با فتح عظیم مکه چشیده شد.

این روند تنها منحصر به دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده و دشمن همواره به دنبال ایجاد تحریم و فشار حداکثری بر جامعه مؤمنین بوده است همان‌طور که در جنگ صفین نیز معاویه با اتخاذ این راهبرد به دنبال فشار هرچه بیش‌تر بر لشکر امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود تا آن‌ها را از پیروزی و ادامه مقاومت مایوس سازد؛ جنگ صفین در یکی از کرانه‌های فرات رخ داد. اصحاب معاویه «شریعه» یعنی محلی را که می‌شد آب برداشت، می‌گیرند. بعد علی علیه‌السلام وارد می‌شود. اصحابش بی‌آب می‌مانند. پیکی را نزد معاویه می‌فرستد که آخر ما اول برای مذاکره و صحبت کردن آمده‌ایم بلکه خداوند با مسالمت این مشکل را از میان مسلمین بردارد و حل کند؛ چرا دست به چنین کاری زدی؟ ولی معاویه که فکر می‌کند پیروزی بزرگی به دست آورده، گوشش بدهکار نیست. وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌بیند که فایده ندارد، دستور حمله می‌دهد و همان روز به شام نرسیده،

اصحاب معاویه رانده می‌شوند و اصحاب حضرت علی علیه‌السلام شریعه را می‌گیرند. اصحاب می‌گویند ما حالا دیگر مقابله به مثل می‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم این‌ها آب بردارند؛ اما حضرت علیه‌السلام فرمود:

«ولی من این کار را نمی‌کنم؛ چون آب چیزی است که خدا آن را برای کافر و مسلمان قرار داده است. این کار دور از شهامت، فتوت و مردانگی است. اگر آن‌ها چنین کردند، شما نکنید. علی نمی‌خواهد پیروزی را به بهای عملی ناجوانمردانه به دست بیاورد».

به این ترتیب امام علیه‌السلام به جای مقابله به مثل و منع کردن دشمنان از آب با جوانمردی پیکی به سوی معاویه فرستاد تا به آن‌ها ابلاغ کند که راه آب باز است و آن‌ها می‌توانند از آب استفاده کنند (مجلسی، ۱۳۸۷: ج ۲۳/۷۴۴).

رفتارشناسی دشمن نشان می‌دهد که هر نوع حمایت اقتصادی آنان نیز دارای پشتوانه نیرنگ و اهداف تخریبی بوده است تا مانع خودکفایی اقتصاد جامعه اسلامی از درون گردد و جامعه مؤمنین را از دستیابی به قله‌های تعالی اقتصادی مأیوس نماید و این لقاء را همواره در ذهن آن‌ها بپروراند که مسلمین بدون کمک دول غربی توان خودکفایی و تولیدات پیش‌رو را ندارند؛

«وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»؛ «یادآور زمانی را که کافران درباره‌ات با حيله و نیرنگ می‌خواستند تو را به بند کشند یا بکشند یا از مکه اخراج کنند. آنان نیرنگ و چاره‌اندیشی می‌کنند، خداوند هم چاره‌اندیشی و تدبیر می‌کند و خداوند بهترین تدبیرکنندگان است» (انفال، آیه ۳۰).

تلاش دشمن همواره در این راستا بوده تا با ورود و نفوذ به عرصه‌های اقتصادی جامعه مسلمین، ارکان رفاهی مسلمانان را متزلزل نموده و با شعار ایجاد گرسنگی و مأیوس‌سازی برای ادامه حکومت بر مسلمانان، آن‌ها را تابع اهداف خود نماید:

«وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا»؛ «و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند» (بقره، آیه ۲۱۷).

بر همین اساس بوده که همواره علمای تشیع در طول تاریخ به دنبال ممانعت از نفوذ اقتصادی و ایجاد خودکفایی هرچه بیشتر بوده‌اند تا جامعه را از سرخوردگی اقتصادی و شعار نمی‌توانیم منع کنند. اما در محور مقابل، دشمن و نیروهای فکری تحت فرمان او، بر آثار تحریم در معیشت مردم اصرار می‌ورزند تا آن‌ها را از ادامه مقاومت و استقلال از دشمن مأیوس سازند.

## ۶. تضعیف ارزش‌ها و آرمان‌های دینی

جامعه‌ای که در سایه ارزش‌گرایی و آرمان‌خواهی زیست کند، قادر است در برابر حربه مایوس‌سازی، با تمسک به ارزش‌های والای الهی موجود، واکنش مناسب ارائه دهد و به انفعال و مرعوبیت مبتلا نگردد؛ انسانی که از اهداف الهی به دور باشد، گرفتار نزع و وسوس شیطان خود بود؛ چراکه با خروج نفس از حوزه ولایت خداوند، شیطان حکومت، نفوذ او و سیطره خود را بر او آغاز خواهد نمود؛ قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ\* إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»؛ «و هرگاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد به خدا پناه بر، که او شنونده و دانا است. پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند به یاد (خدا) و پاداش و کیفر او) می‌افتند و (در پرتو یاد او راه حق را می‌بینند و) بینا می‌گردند و چنان‌چه بخواهد از طرف شیطان (انس و جن) در تو وسوسه و جنبشی پدید آید به خدا پناه بر که او به حقیقت شنوا و داناست. انسان متذکر و به بصیرت رسیده، در گرایش به آرمان‌های خداوند سست نخواهد بود» (اعراف، آیات ۲۰۰ و ۲۰۱).

کرامت انسانی ایجاب می‌کند که در هجمه فرهنگی و اجتماعی غرب، انسان تن به اسارت و یأس ندهد و عزت و انسانیت خویش را در پناه دولتی با کرامت و عزتمند تقویت و استوار سازد. با این همه، اراده الهی به این تعلق گرفته است که آدمی خود برای نجات خویش به پاخیزد، خود ببیند و تفکر خویش را به کار گمارد تا تحقق بخش آرمان الهی - توحیدی باشد. تنها در سایه تحقق آرمان ناب توحیدی و ظهور حکومت الهی است که به کرامت انسان لطمه‌ای وارد نمی‌آید و حیثیت و شرافت او خدشه‌دار نمی‌شود. غرب با تأکید بر لیبرال دموکراسی، می‌کوشد مضامین بلند نظام نو در آخرالزمان را که با بیانات گوناگون، کم و بیش، در فرهنگ آسمانی ادیان الهی بیان شده، تحت‌الشعاع فرهنگ و آموزه‌های فرهنگی خود قرار دهد (رهنمایی، ۱۳۸۹: ۳۴). زمانی که جامعه تحت تأثیر ارزش‌های الهی باشد، امید و نشاط معنوی خود را در مسیری که انتخاب نموده، از دست نخواهد داد و تمام توان خود را برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های والایش بذل خواهد نمود.

اما غرب که از حیث ارزشی، با خلأ مواجه است، در دوران کنونی که به دنبال ایجاد اضطراب و یأس در جامعه دینی است، ارزش‌های دینی را همواره مورد تهاجم و وارونه جلوه دادن قرار داده است؛ به عنوان مثال در واژگان غربی اصطلاح «لیبرال دموکراسی» بیانگر حاکمیت برتری است که به گمان پایه گذارانش آزادی می‌دهد و برابری می‌آفریند و در مقابل ظلم و تبعیض می‌ایستد یا مثلاً در روایات اسلامی سخن از برپایی حکومت جهانی واحد به میان آمده و اساس چنین حکومتی «توحید» دانسته شده است. توحید توجه محض به یگانه منبع وجود و یکتا سرچشمه نور و زندگی است که ایمان به او، به یگانه‌سازی تمام جهات مادی و معنوی، فرهنگی و سیاسی، فردی و

اجتماعی و نظامی و اقتصادی می‌انجامد (همان: ۳۶). غریبان می‌کوشند تا جای ممکن جامعه مسلمانان را از ارزش‌های دینی تهی کنند؛ چراکه انگیزه، امید و نقطه محرک این جوامع برای پیشرفت، آرمان‌های الهی ایشان است و زمانی که آرمانی نباشد، امید و پیشکار جهت حرکت رو به جلو، تبدیل به انفعال و یأس خواهد شد. از همین روی بوده که می‌توان گفت جامعه تهی شده از ارزش، بسان بهائمی خواهد بود که تنها به دنبال تمتع بیشتر است و بر منافذ فهمی آن‌ها قفل قرار دارد که استقامت و امید برای دستیابی به جامعه فاضله معنوی برایشان فاقد ارزش و اهمیت است، لذا می‌فرماید:

«لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِطْعَامِ لِمَنْ أَضَلُّهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»؛ «به‌طور مسلم گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آن‌ها دل‌ها (عقل‌ها)ئی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند و) نمی‌فهمند و چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آن‌ها هم‌چون چهار پایانند، بلکه گمراه‌تر اینان همانا غافلانند (زیرا با اینکه همه گونه امکانات هدایت دارند باز هم گمراهند)» (اعراف، آیه ۱۷۹).

در چنین جامعه‌ای دشمن به راحتی خواهد توانست همت‌ها و گام‌ها را مایوس سازد و پروژه تضعیف جامعه مؤمنین را به سرعت محقق سازد.

## ۷. نتیجه‌گیری

امید به آینده، موجب تلاش فراگیر جامعه در جهت پیشبرد اهداف انقلاب خواهد شد، بر همین اساس دشمن هم‌هی توان خود را به کار انداخته تا سطحی از ناامیدی فراگیر را به جامعه القاء کند و در این مسیر به شیوه‌های متعددی تکیه می‌کند همانند تحقیر مؤمنان و بزرگ‌نمایی مخالفان، توجیه، شایعه، تضعیف باورهای دینی، اظهارات دروغین یا ریاکارانه، وعده‌های دروغین، فریب و ... هدف دشمنان از چنین رفتارهایی القای یأس و ناامیدی در مردم و روی برگرداندن از اولیاءالله و دستورات الهی است. در این اثر به بررسی فرآیند رفتاری دشمن در پروژه مایوس‌سازی از نگاه دینی پرداخته شده و اموری از قبیل ایجاد شکاف و تفرقه در جامعه، ایجاد ناامنی و هرج و مرج، حمایت از مسئولین بی‌کفایت جهت ترویج فساد و ... تحلیل و بررسی شده است و در نهایت نگارنده بدین نتیجه رسیده است که دشمن در فرآیندی پیچیده، سطوح مختلفی از جامعه اعم از فضای فکری، ابعاد معیشتی، گفتمان ارزشی و ... را هدف قرار داده تا مردم را نسبت به آینده و استقامت در این مسیر مایوس سازد و اگر خواص جامعه، مسئولین و عقبه فکری متوجه این فرآیند نباشد، ناامیدی و سرخوردگی در سطح اجتماع فراگیر خواهید شد و دشمن از این مجرا اهداف استعماری و فتنه‌جویانه خود را به دست خواهد آورد.

## منابع

- قرآن کریم  
نهج البلاغه  
ابن ابی الحدید، هبه‌الله (۱۳۶۳). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.  
ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۳۸۸). تاریخ ابن خلدون. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
ابن هشام، ابومحمد (۵۱۴۱۶ ق.). السیره النبویه. بیروت: دار احیاء التراث.  
جمعی از نویسندگان (۱۳۹۹). حقوق تحریم‌ها. تهران: نشر نی.  
رهنمایی، سیداحمد (۱۳۸۹). در اندیشه حکومت جهانی واحد. قم: معرفت.  
صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۸۰). تعارض‌های فرهنگی و وفاق اجتماعی. قم: نگاه حوزه.  
عسکری، ابوهلال (۱۳۶۳). الفروق فی اللغه. مشهد: آستان قدس رضوی، امور فرهنگی.  
فولادی، محمد (۱۳۹۴). استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی. قم: معرفت.  
مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۷). بحار الانوار. قم: جامعه مدرسین.  
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). تفسیر نمونه. قم: مدرسه امیرالمؤمنین (ع).  
منقری، نصرین مزاحم (۵۱۴۰۴ ق.). وقعہ الصفین. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.  
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۵۱۴۱۳ ق.). تاریخ یعقوبی. بیروت: علمی.

Research Article

## **Investigating the Enemy Behavioral Process in a Religiously Disappointing Project**

**Mostafa Rezaie<sup>1</sup>**

Date of received: 2021/04/04

Date of Accept: 2021/04/25

### **Abstract**

After the formation of the Islamic Revolution, the enemy has always sought to create widespread despair in society, and in the process has always injected a material biological and intellectual model into society; For the Western and materialistic way of life will ultimately lead man to emptiness and despair; That is why if a society can nurture people in its lap and promote the personality of the people in it, the society will be considered ideal and religious, and the capacity of the people in its lap will not be wasted. In the Qur'an, one can find various cases that the enemies use in soft war with the aim of hitting the Islamic society. Today, considering the position of the Islamic Revolution in the region and the world and the various developments in the country, it is necessary to analyze the ways of the enemy in frustrating society. And finally came to the conclusion that the enemy in a complex process, targeting different levels of society, including intellectual space, living dimensions, value discourse, etc. to disappoint people about the future and endurance in this direction and If the properties of society, officials and intellectuals do not realize this process, despair and frustration will spread throughout the society and the enemy will achieve his colonial and secessionist goals through this channel.

**Keywords:** Enemy, Disappointment, People, Quran, Narrations.

### **Citation (APA 6th ed. / APSA)**

Rezaie, Mostafa(2021). "Investigating the Enemy Behavioral Process in a Religiously Disappointing Project". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 4, Num. 3, S.No. 15, pp. 35 - 50.

---

<sup>1</sup>. Graduated from seminary level, Qom seminary, Qom, Iran.

Email: eshragh.reza1394@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

## References

The Holy Quran

Nahjolbalaqu

A group of authors (1399). *Sanctions*. Tehran: Ney Publishing. (in Persian)

Askari, Abu Hilal (1363). *AL Farooq fi al loghat*. Mashhad: Astan Quds Razavi, Cultural Affairs. (in Persian)

Fouladi, Mohammad (1394). *The strategy of unity of the Islamic world in Imam Khomeini's thought*. Qom: Knowledge. (in Persian)

Gholamreza, sadigh oreie (1380). *Cultural conflicts and social harmony*. Qom: The view of the constituency.

Ibn Abi Al-Hadid, Heba Allah (1363). *Explanation of the approach to rhetoric*. Qom: Library of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi. (in Persian)

Ibn Hisham, Abu Muhammad (1416 AH). *The biography of the prophet*. Beirut: Heritage Revival House. (in Persian)

Ibn Khaldun, Abdul Rahman ibn Muhammad (1388). *History of Ibn Khaldun*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. (in Persian)

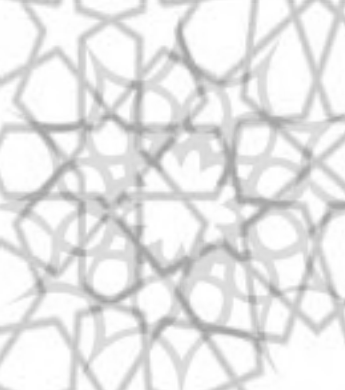
Majlisi, Mohammad Baqir (1387). *Bahar Al Anvar*. Qom: Teachers Association. (in Persian)

Makarem Shirazi, Nasser (1389). *Sample Interpretation*. Qom: Amir al-Mo'menin School. (in Persian)

Munqari, Nasr bin Mazahim (1404 AH). *The location of the safes*. Qom: The Library of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi. (in Persian)

Rahnamaei, Seyed Ahmad (2010). *in the Thought of a Unified World Government*. Qom: Knowledge. (in Persian)

Yaqubi, Ahmad ibn Abi Yaqub (1413 AH). *Jacobite History*. Beirut: Science. (in Persian)



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران